

آقای «محمدباقر قالیباف»: این گزارش را با دقت بخوانید!

فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضا یزد آماده‌افتتاح اما دچار بی‌مهری، چرا؟!!

تحریم، اقتصاد، اراده ی یک ملت، قانون، قوای سه گانه، رفع موانع تولید، صنایع سبز،های تک، بی‌اثر کردن تحریم ها، اقتصاد مقاومتی، جهش تولید، بی‌نیازی به غرب، آرمان‌های انقلاب و یک پرسش بزرگ؛ برای رسیدن به اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، مجموعه‌ای از وظایف تعریف شده وجود دارد که به سان دو همزاد، یکی بدون حضور دیگری «بتر» است، گم است، معطل و ناقص است، اصلا دچار تشویش اراده است. آقای قالیباف! بیرون از همه ی شعار زدگی ها؛ مثل آب غریزیه، نیشکر هفت تبه، خشکسالی سیستان و بلوچستان، مشکلات کارخانه‌های حومه ی تهران، گره گشایی از تولیدکنندگان شمال کشور و مواردی از این دست؛ بررسی کنید چرا باید یک طرح بزرگ که تحقیقا در خاورمیانه نظیر ندارد و آماده افتتاح است به طرز عجیب و غریب و ناامید کننده‌ای دچار بی‌مهری است؟ قانون کجای سایه سار حمایت قرار می گیرد که در چنین مواقعی سکوت اختیار می کند؟!



آفتاب یزد – گروه اقتصادی: انسان بر حسب عادت یا تمایل به غریزه؛ همواره در حال مقایسه شدن یا مقایسه کردن است، دیروز را با امروز، خودش را با دیگران، چند سال قبل و یا روزها، زادگاهش با دیگر کشورها و…داستان به همین مقایسه شدن و مقایسه کردن نیز ختم نمی‌شود که در پس هر مقایسه ای؛ قضاوتی، تحلیلی و نتیجه گیری‌ای در کمین است. این مقدمه را از آن جهت نوشتم که یک حکایت در نوع خود عجیب را در بستری از زمان – مابین بهمن ۹۴ و اسفند ۹۹ – مرور کنیم.

■ از بهمن ۹۴ تا اسفند ۹۹

اگرچه از بهمن ۹۴ تا اسفند ۹۹، «شصت و یک ماه» فاصله است اما همه این شصت و یک ماه، هاله‌ای از فراموشی، ما را دچار روزمرگی‌ها کرده بود. امروز که این گزارش منتشر می‌شود؛«اسحاق جهانگیری» معاون اول حسن روحانی که روزگاری در جهاد سازندگی خدمت می‌کرد و از آن جا، راهی مجالس دوره ی دوم و سوم شد و بعدها استاندار اصفهان شدن او را به وزارت صنایع و معادن آن روزگار گره زده؛ در سفری نسبتا کوتاه، میهمان یزدی‌ها است. یک هفته پیشتر از انجام این سفر، شنیده بودیم که در این سفر قرار است برخی طرح‌ها و پروژه‌ها افتتاح شود از جمله: کتابخانه ی مرکزی یزد(طرحی هواپیماسازی امام رضاع)، از دستور کار خارج شده(! در حالی که این طرح و آب و برق استان یزد که این روزها باب شده است، افتتاح بندرخشک کوثر پیشگامان کویر یزد(طرحی که به نام‌ها و بهانه‌های مختلف بارها افتتاح شده است)، فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع(طرحی که در باره ی آن بسیاری خواهامی نوشت)، یک مرکز جامع سلامت و در کنار آن‌ها چند جلسه از جمله نشست‌ی با نخبگان و فعالان سیاسی، اجتماعی و نیز شرکت در جلسه اقتصاد مقاومتی.

دو روز مانده به پایان هفته و سه روز به انجام این سفر مطلع شدیم که برنامه از پیش طرح ریزی شده، دچار تغییراتی شده و افتتاح فرودگاه و صنایع هواییاسازی امام رضاع)، از دستور کار خارج شده(! در حالی که این طرح و نیز طرح آماده افتتاح چندباره بندرخشک کوثر پیشگامان کویر یزد در چند قدمی یکدیگر به سر می‌برند!!!

دلیل و علت را جویا شدیم؛ پاسخ دادند: «آن جایی که سازمان هواپیمایی کشوری اقدام به صدور مجوز نکرده است، افتتاح به زمان دیگری موکول شده اما افتتاح این طرح با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار خواهد شد»

■ آقای قالیباف: از این جای گزارش به بعدرا با دقت بیشتری بخوانید!

شنیدن خیر افتتاح یک پروژه که ۶۱ ماه با آن زندگی کرده بودیم حس خوبی به ما می‌داد، این بار این پروژه زیر بار سنگین بوروکراسی له نشد، پشت در این اتاق و آن کارگروه و فلان مقام مسئول جان به جان آفرین تسلیم نکرد، جوانه بود، ریشه دوانیده، قد کشید و حالا می‌خواهد فسیلی نو را آغاز کند اما خبری که می‌گوید؛ نه! این طرح این بار و در این سفر افتتاح نخواهد شد، تلخ بود، عجیب بود … این خیر ما را راهی فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع) کرد و نشستیم رو در روی «رضا حسینی نسب» تا ببینیم روایت او از این ماجرا چیست.

وارد محوطه که شدیم دیدیم میز و صندلی‌هایی که در یک سوله چیده شده بود در حال جمع‌آوری است، انگار حقیقت داشت؛ مراسمی در کار نیست(!) حسینی نسب می‌گوید:«گفتند مجوز سازمان هواپیمایی تایمه و معذورند از افتتاح» حسینی نسب می‌گوید:«این مجوزی که بهانه ی افتتاح نکردن است را باید خودشان صادر کنند، خرجش یک تلفن است؛ کم و کسری‌ها نیست حتی می‌توانند موقت مجوز بدهد…»

● در راهی که باز می آمدیم تا به فرودگاه یزد برسیم و از آن جا راهی تهران شویم به این مسئله اندیشیدیم که گزارش را خطاب به کدام قوه و مقام ارشد مملکتی بنویسیم؛ به روحانی و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، به ریئسی و حوزه ی اقتصادی قوه قضائیه یا به مجلس و کمیسیون های مربوطه که یادمان آمد این گزارش باید بی هیچ واسطه ای برسد به دست محمدباقر قالیباف، خلیبان که سابقه ۱۲ ساله شهرداری و ریاست بر مجلس نیز باعث نشد در سفری که راهی مشهد بود پشت سازمان هواپیمای حامل وی ننشیند. یک خلیبان حتی اگر سیاست مردی کهنه کار نیز شده باشد با پرواز زنده است پس همه ی این گزارش را به رئیس مجلس حواله می دهیم تا اگر ضعف قوانین باعث این وقفه ی طولانی شده است بررسی شود. اگر کم کاری شده است به عنوان رئیس قوه ی مقننه و دستگاه ناظر بر کار دولت تذکر بدهد و اگر می شود با ریزی برخی و بخشی از مشکلات را حل کرد که چه کسی بهتر از رئیس قوه مقننه؟!
● می گویند: «دانش بنیان بودن و های تک بودن و سبزر بودن که خریدنی نیست! بالاخر صنعتی که سبز باشد لابد پارامترهایی دارد، دانش بنیان بودن نیز تعریفی استاندارد و جهانی دارد همین‌طور «های تک» می گویند:«من نیز چون شما فکر می کردم منتها بعد ۶۱ ماه دوندگی تازه دارم با ادبیاتی خاص که ویژه مدیران حامی کارآفرینان است آشنا می شوم، مثلا وقتی می گویند خیال تان راحت(! یعنی کاری می کنیم خوب به چشم تان نیاید، وقتی می گویند حمایت می شوید یعنی سنگ اندازی ماجرای شما با ما(!) وقتی می گویند هر گونه تسهیلاتی لازم باشد می پردازیم یعنی نگاه تان به جیب خودتان باشد(!)»

دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۷ در میان بگذارید.

● این بار اما به واقع در محوطه ی یک فرودگاه با هم همکلام شدیم؛ برج مراقبت بود، باند آماده ی نشست و برخاست هواپیماهای سبک بود، فضای سبز بود، آشیانه بود، قسمت اداری بود، ترمنال مسافر بود، امکانات رفاهی بود، سالن تولید بود، روح و روان یک فرودگاه قابل رؤیت بود، دیگر گفت و شنود داخل یک دفتر در طبقه ی چندم یک مجموعه ی اداری در مرکز شهر نبود، اینجا محوطه فرودگاهی است که دیر یا زود از آن خواهیم شنید… حسینی نسب می گوید:«چنین مجموعه ای در خاورمیانه نظیر ندارد، راستی آزمایی این ادعا نیز با یک سرچ مختصر دست یافتنی است.»

● حسینی نسب ۶۱ ماه بعد از مصاحبه ی بهمن ۹۴ بازم به آفتاب یزد می گوید:«تنها صنعتی هستیم که علاوه بر پاک بودن، دانش بنیان بودن، کم آبخواه بودن، فاقد هر گونه آلودگی بودن و ارزآور بودن به طور مستقیم توان به کار گیری تا ۱۵۰ نیروی کارشناسی ارشد و دکتری را در خود می بینیم که در نوع خود بی نظیر است. ما حتی برای بهره گیری از انرژی خورشیدی به دلیل موقعیت مکانی اعلام آمادگی کرده ایم که اگر دچار مجوزها و پیچ و خم های معمول و مرسوم نشویم قطعاً اقدام خواهیم کرد.»
● او این بخش از صحبت های خود را این گونه کامل می کند، «از ۹ سالگی وارد بازار کار شدم، یکساله بودم که سایه ی پدر از بالای سرم رفت، تنهایی، کارهای سخت و مشکلات ریز و درشتی که سر راهم بود در نهایت کمک کرد با هر مانی که بر سر راهم سبز می شود به گونه ای برخورد کنم که نشکتم که راهم سد نشود تا امروز که وقتی می گویم لذت دارم از نیروی متخصص با دانش کافی استفاده کردن چون می دانم قبولی در دانشگاه و رسیدن به مدارج علمی بالا بدون داشتن تضمین شغلی آن هم شغلی که مرتبط با تحصیلات باشد و دوست داشته شود اوج آرزوی یک جوان ایرانی است.»

که حرفی بزنیم در پاسخخ به نگاه متعجب ما می‌گوید:«به پشت در ایستادن عادت داریم!»

بعد مصاحبه و در هنگامه ی تدوین این گزارش به روزنامه ی بهمن و اسفند ۹۴ مراجعه کردیم؛«منوچهرمنطقی» در آن سال‌ها رئیس سازمان صنایع هوایی و دبیر ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش بنیان هوایی کشور بود، به یزد آمده بود و ورود پارک علم و فناوری استان یزد که حوزه ی هوا – فضا را اقدامی خوب ارزیابی کرده بود اما مهم‌ترین بخش در آن خیره؛ در رتبه نخست بودن ایران در منطقه بود، پس، این که«رضا حسینی نسب» اصرار دارد استان یزد با قطب هوا – فضای کشور و خاورمیانه شود، متکی به یک سری واقعیت‌ها است نه لم داده بر پالش رؤیا و آرزوهای دست یافتنی!

■ می‌خواهاند ما را از مجموعه ی پارک علم و فناوری حذف کنند!

باقی گفته‌های منوچهر منطقی را مرور می‌کنیم؛ او از بالا بودن حجم مورد نیاز نقدینگی برای سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های هوا – فضا می‌گوید و بلافاصله از محدودیت‌های مالی دولت(!) این یعنی بخش خصوص باید ورود پیدا کند و می‌کند.

حسینی نسب می‌گوید:«اگر دچار بوروکراسی‌های غیر ضروری، زمان بر و ناهمبندی نشده بودیم با ۸۰- ۲۰ میلیارد تومان سر و تن این مجموعه را به هم آورده بودیم؛ حالا ۱۵۰ میلیاردتومان دادیم و هنوز در نیمه راه هستیم، نه این‌که مجموعه آماده ی بهره‌برداری نباشد؛ نه! اما تا ایده ال‌های ما کیلومترها فاصله دارد.»

او می‌گوید:«زرگی کردیم و به گران‌ها نخورده، سیمان و پروفیل و دستگاه‌های مورد نیاز را بیش خرید کردیم در برخی جای‌ها نگاه سرمایه گذارانه داشتیم مثلا۶ میلیارد ریال پول دادیم که روزی ۲۰ میلیون ریال کرایه حمل بار ندیم، ۱۰ میلیارد ریال دادیم که اسیر تصمیم گیری‌های بلند مدت برخی مدیران نشویم، ۶ کیلومتر جاده ی اسفناخته ساختیم که خودش یک طرح میانی دولت در مناطق روستایی است حاضر شدیم قیر بدهند، ندادند از بازار آزاد تهیه کردیم اما نگذاشتیم در این مسیر همه ی پیش روی مان گسترده بوده شد خلی، دست اندازی، مانی ایجاد شود.» حسینی نسب برای رسیدن به این پرسش‌ها ما که:«امروز اگر شروع کنید چقدر بودجه نیاز است؟» بدون ذره‌ای مکث و تأمل می‌گوید:«حداقل ۱۰۰۰ میلیاردتومان وجه نقد تازه فرض را بگذارید بر سر آماده بودن همه ی مجوزها از زمین گرفته تا مجوز سازمان هواپیمایی کشوری…» می‌گویم اگر این‌ها آماده نباشد» می‌گوید:«ببینیدا باید منطقی نگاه کنیم این روزها با ۱۰۰۰ میلیاردتومان به راحتی می‌توان ۱۰ کارخانه ی کاشی و چند کارخانه ی فولاد استارت زد، زمین و مجوز و تسهیلات بانکی پشت در اتاق شات تان وصف بستماند پس با اعداد و ارقام بازی نکنید؛ توجه عاشقانه می‌خواهد ۱۵۰ میلیاردتومان پول را در بیابان سرمایه‌گذاری کنی، ۲۰ هزار دستگاه کمبرسی خاکبرداری کنی، ۲۰ هزاردستگاه کمبرسی خاکریزی کنی صرفا داشتن فضای سبز. شما دنبال عدد و رقم نگرد؛ بگرد ببین چندنفر حاضرند صدبار به یک مدیر مراجعه کنند نه بشنوند بازم برونند با این که می‌دانند نه می‌شنوند!»

او به یک ماجرای تلخ اشاره می‌کند و هیچ توضیحی نمی‌دهد:«می‌خواهند ما را از مجموعه ی شرکت‌های پارک علم و فناوری یزد حذف کنند گویاهای تک بودن و دانش بنیان بودن ما را فقط خارجی‌ها قبول دارند!»

■ یکی از مدیران به من گفت دروغ‌گوئی!

رضا حسینی نسب با لبخندی که درد را نشان ندهد خاطره‌ای تلخ را بیان می‌کند:«در روزهایی که به دنبال تخصیص زمین بودم و هر روز پشت در ایستادن را منسّق می‌کردم یکی از مدیران گفت:«برای ساخت این مجموعه چقدر باید هزینه کنی؟!» و من در آن سال‌ها که سیمان و میلگرد و فولاد به این اندازه گران نشده بود گفتم:«۲۰۰میلیارد تومان» آن مدیر لبخندی زد و گفت:«شک ندارم که دروغ‌گوئی» و من گفتم:«حق با شما است از بس برای کار ۴۰۰ میلیاردی ۲۰۰۰ میلیارد هزینه کرده‌اید من را دروغگو می‌دانی در حالی که من به دنبال ساخت فرودگاه و هواپیما نبودم!»

■ هر جا گفتند از شما حمایت می‌کنیم از همان جا مانع تراشی شد

می‌گویم:«دانش بنیان بودن وهای تک بودن و سبزر بودن که خریدنی نیست! بالاخر صنعتی که سبز باشد لابد پارامترهایی دارد، دانش بنیان بودن نیز تعریفی استاندارد و جهانی دارد همین‌طور «های تک» می‌گوید:«من نیز چون شما فکر می‌کردم منتها بعد ۶۱ ماه دوندگی تازه دارم با ادبیاتی خاص که ویژه مدیران حامی کارآفرینان است آشنا می‌شوم، مثلا وقتی می‌گویند خیال تان راحت(! یعنی کاری می‌کنیم خوب به چشم تان نیاید، وقتی می‌گویند حمایت می‌شوید یعنی سنگ‌اندازی ماجرای شما با ما!) وقتی می‌گویند هر گونه تسهیلاتی لازم باشد می‌پردازیم یعنی نگاه تان به جیب خودتان باشد(!)»

حسینی نسب می‌گوید:«همه از ما فیا می‌گویند درست هم می‌گویند این روزها فولاد، کاشی، معادن و… در این چرخه قرار گرفته اند، یعنی از یک سو قیر به من نمی‌دهند برای ۶ کیلومتر جاده از آن طرف ۲۰ کیلومتر جاده با امکانات دولتی می‌سازند برای معدنی خصوصی اسم آن را می‌گذارند توسعه راه‌های روستایی، فلک جلودارشان نیست وقتی خواسته باشند و فلک جلودارشان نیست وقتی نخواسته باشند!»

■ زندگی نامه ات را بنویس!

می‌گویم: دل پر دردی دارید، می‌گویم سرشار از تجربه با قوانین دست و پاگیر شده اید، می‌گویم زندگی نامه ات را بنویس بگذار بماند و بخوانند! می‌گویند:«دل پر دردی ندارم، مملکت را دوست دارم و از این بدتر را نیز تحمل می‌کنم اصلا جان می‌دهم برای آبادانی و سربلندی این سرزمین.»

حسینی نسب می‌گوید:«جذابیت‌های کویر در دو بخش باید دیده شود؛ یکی پیمودن بیابان و دیگری نظاره کویر از دل آسمان.»



اقتصادی تأمین‌کننده ی استقلال ایران عزیز همان جهاد اکبر است، جهاد اقتصادی در برهه هایی، عین جهاد اکبر است.»

وارد مجموعه که شدیم تمثال شهدا را دیدیم، سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، جمعی از سرداران شهید استان یزد و… می‌گوید:«از شهدا فاصله نگیریم در نمی‌مانیم من به این باور رسیده و ایمان دارم.»

سال ۹۴ وقتی از او تقاضای مصاحبه کرده بودیم متعجب شده بود که یک روزنامه سیاسی – اجتماعی، اقتصادی چرا باید به موضوعی مانند هوا – فضا و هواپیماسازی توجه داشته باشد؟! تشکر کرد و داستان ورود به این عرصه را با جزئیات آن گفت از جمله حرکت

از بحث‌های آموزشی و تفریحی به انتقال تکنولوژی و آغاز به ساخت هواپیما در خاورمیانه‌ای که تحت سیطره ی آمریکایی‌های بدعهد است همان آمریکایی‌هایی که به هر کشوری هواپیما فروختند او را در هنگامه ی نیاز تنها گذاشتند!

■ رضاحسینی نسب بهمن ۹۴:

«فروردین ۹۴ با بزرگترین شرکت سازنده ی هواپیماهای General Aviation در جهان که متخصص تولید هواپیماهای ۲ تا ۱۱ نفره است وارد قرار داد می‌شود آن هم با سازنده ای که ۶۶درصد فروش خود را به آموزشگاه‌های خلبانی در دنیا اختصاص داده است به نحوی که این سازنده ی اروپایی موفق شده به دلیل امنیت بالا و استهلاک پایین هواپیماهای تولیدی خود با آمریکایی ها نیز وارد تجارت شود. بد نیست بدانید هواپیمایی ماها ۵ فروردن از هواپیماهای این سازنده ی اروپایی را خریداری کرده است.»
● رضا حسینی نسب با تأکید بر این موضوع که هرگز به دنبال حاشیه سازی نبوده و نخواهیم بود چون همه داریم برای سربلندی ایران عزیز تلاش می‌کنیم خاطر نشان می‌کند:«این عبارت آشنا هستیم:«بودجه های دولت محدود است.» می‌دانیم و معترفیم بخش های مهم تری در این مملکت وجود دارد که باید ترمیم شود تا بنیاد از حمایت دولتی صرف نظر کنیم،ما با هزینه ی ۱۵۰۰ میلیارد ریالی به صورت کاملا عملیاتی «حسن نیت» خودمان را نشان دادیم و این یعنی دولت هم آستین پالا بزند چون الان و به نسبت ۶۱ ماه قبل تجربه ی بیشتری داریم تا جایی که می‌توانیم دیگر مجموعه‌ها را همراهی کنیم تا برخی از هزینه های آزردهنده که بخشی از سرمایه ی آن‌ها را به واقع می‌لعد را کاهش دهیم اگرچه تلاش کرده و می‌کنیم که استان یزد قطب هوا – فضای کشور شود اما در همین مرحله نیز ادعا داریم پایلوت ورود به دنیای فرودگاه های آموزشی، تفریحی و تجاری در ابعاد کوچک شده ایم.»

■ آموزشگاه خلبانی کجا ، ساخت هواپیما کجا!

سال ۹۲ در یزد آموزشگاه خلبانی ایجاد می‌کند اما خیلی زود دچار معضلی به نام تأمین قطعات می‌شود، تصمیم می‌گیرد بر اساس مثل:«آب از سرچشمه برداشتن» قدم در راهی سخت، طولانی اما همیشگی و مانا بگذارد؛ حسینی نسب می‌گوید:«همان ایستا به هرکسی مراجعه کردیم از دو زاویه به ما نگریست؛ یکی این که این ایده رؤیایی است پس لابد به دنبال تسهیلات و بهره مندی از مزایای اقتصادی این طرح بلندپروازانه هستند و دو دیگر این که خیلی زود خسته می‌شوند و می‌رسند به خط پایان!»

می‌گویم:«سوال ۹۴ که با شما مصاحبه کردیم متأسفانه ما نیز شما را باور نداشتیم اما همواره فعالیت‌های فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع) را دنبال می‌کردیم همان طرحی که در قالب شرکت:«پیشگامان توسعه پرواز» در حال انجام بود!» و تأکید می‌کنیم:«اگر نیامده و ندیده بودیم هیچ ادعایی را که راوی انجام شدن این پروژه در زمینی به مساحت ۹۸ هکتار – قابل توسعه تا ۴۰۰ هکتار – باشد را باور نمی‌کردیم(رضا حسینی نسب در قسمت طول باند توضیح می‌دهد که اینک این فرودگاه دارای باند ۱۶۰۰ متری با عرض ۲۵ متر است اما در طرح‌های تکمیلی و افق ۲۰ ساله، باند ۵۰۰۰ متری با عرض ۵۰ متر نیز پیش‌بینی شده است.)»

■ رضاحسینی نسب بهمن ۹۴:

«سال‌ها در نمایشگاه‌های مختلف صنایع هوایی در سراسر جهان شرکت کردیم تا در نهایت به دو شرکت رسیدیم که اگر می‌توانستیم تکنولوژی و دانش فنی آن‌ها را به ایران منتقل کنیم قطعاً راهی طولانی را طی کرده بودیم و ایران به آسانی در زمره ی تولیدکنندگان هواپیماهای سبک قرار می‌گرفت.» «خوشبختانه بحث انتقال تکنولوژی و طراحی سیاست‌های کلی نظام توسط رهبر معظم انقلاب در سال ۹۴ درباری ی فناوری ابلاغ شد که در بند ششم این سیاست‌ها، «اهتمام به انتقال تکنولوژی و طراحی و ساخت مورد تأکید قرار گرفته بود.»

از آن روزگار ۶۱ ماه گذشته است، بخش‌هایی از مصاحبه ی ۶۱ ماه قبل را یادآوری می‌کنیم؛ هم سؤال کلیشه‌ای می‌پرسم:«اگر به گذشته بازگردید باز هم همین راه را می‌آیید؟ که با صراحت گفت بله!» و هم یک ادعا را یادآوری می‌کنیم:«گفته بودید استان یزد می‌تواند به قطب هوا –فضای خاورمیانه تبدیل شود.» آیا همچنان بر همان عقیده اید؟!

خیلی تلخ می‌خندد و می‌گوید:«می‌دانم منظور شما چیست اما بعد ۶۱ ماه دوندگی و بالا و پایین شدن بازم می‌گویم؛ استان یزد باید به قطب هوا – فضای خاورمیانه تبدیل شود.»

■ به پشت در ایستادن عادت داریم!

حکایتی عجیب را بازتعریف می‌کند:«سال‌ها قبل منوچهر منطقی که آن روزها دست اندرکار سازمان صنایع هوایی و دبیر ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش بنیان هوایی کشور بود به یزد آمد و من پشت در اتاقی ایستادم که داخل آن درباره ی طرحی بحث می‌کردند که منشا آن من بودم!» بی‌آن